

## مبانی، اصول و روشهای تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام

محمد شریف طاهر پور \*

طاهره جاویدی کلاته جعفر آبادی \*\*

خسرو باقری \*\*\*

حسن نقی زاده \*\*\*\*

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۲

پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۴

### چکیده

هدف این پژوهش، استنباط مبانی، اصول و روشهای تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام با نظر به مسائل و مشکلات زیست محیطی است. برای دستیابی به این هدف از روش استنتاجی استفاده شده است. نتایج این پژوهش از دید هستی‌شناختی ناظر بر این است که طبیعت، ماهیتی از اویی و به سوی اویی دارد. سراسر طبیعت کلمه الله است. یگانگی و وحدت بین انسان و طبیعت حاکم است. طبیعت قدسی است. طبیعت بر نظام احسن مبتنی است. ساختار طبیعت بر عدالت مبتنی است، و حیات فراگیر است. بر اساس این مبانی درباره محیط زیست از نظر اسلام، اصولی همچون تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت، تأویل و تفسیر، تقویت توجه به وحدانیت انسان و طبیعت، احترام به طبیعت به عنوان موجودی مقدس و... ارائه شده است. بر پایه این اصول، روشهایی همچون ایجاد نگرش توجه توأمان به ارزش ابزاری و معنوی طبیعت، ایجاد نگرش به مطالعه طبیعت به عنوان جلوه‌های الهی، گذر از حجاب طبیعت، همسخنی انسان و طبیعت، تقویت رفتارهای سازگار با طبیعت، احیای پیوند بین علم و معنویت، قداست‌بخشی به پرورش گیاهان و... برای تربیت شهروند زیست محیطی ارائه شده است.

**کلید واژه‌ها:** محیط زیست، شهروند زیست محیطی، مبانی و اصول و روشهای تربیتی.

\* دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد، استادیار دانشگاه ملی ملایر [m.s.taherpour@gmail.com](mailto:m.s.taherpour@gmail.com)

\*\* نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد [tjavid@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:tjavid@ferdowsi.um.ac.ir)

\*\*\* استاد دانشگاه تهران [khbagheri@ut.ac.ir](mailto:khbagheri@ut.ac.ir)

\*\*\*\* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد [naghizdeh@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:naghizdeh@ferdowsi.um.ac.ir)

## مقدمه

اهمیت توجه به مسائل زیست محیطی و حل آن در این نکته نهفته است که رشد و نمو و سلامت انسان، جانداران دیگر و گیاهان تحت تأثیر چرخه‌های طبیعی محیط زیست قرار دارند. برهم خوردن نظم محیط زیست، سبب به هم خوردن شیرازه زندگی، نظام اقتصادی، اجتماعی و غیره می‌شود (ملاردی، اصغری، ۱۳۸۳). در عین حال بقاء و تداوم کلی محیط زیست به همه اجزای تشکیل دهنده آن مانند آب، خاک، هوا، جنگل، رودخانه، دریاها، کوه‌ها، دشتها، بیابانها و غیره بستگی دارد؛ پس توجه به تعادل و پایداری اجزای تشکیل دهنده محیط زیست در بهبود کیفیت زندگی ما و نسلهای آینده نقش مهمی خواهد داشت. متأسفانه انسان در عصر حاضر با تولید بیش از حد مجاز مواد زاید و سمی، گازهای گلخانه‌ای (دی‌اکسید کربن، اکسیدهای نیتروژن، که بر اثر مصرف سوخت‌های فسیلی به وجود می‌آید)، پسابهای صنعتی، استفاده بیش از حد از حشره‌کشها، استفاده بیش از حد از منابع طبیعت و... تعادل محیط زیست را بر هم زده و باعث پدید آمدن مسائل و مشکلاتی همچون آلودگی هوا، گرم شدن کره زمین، تخریب لایه اوزن<sup>۱</sup>، وارونگی هوا<sup>۲</sup> و بارانهای اسیدی<sup>۳</sup> شده است.

پدید آمدن این قبیل مشکلات زیست محیطی، علاوه بر این عوامل، محصول رویکرد ما نسبت به جهان هستی است؛ زیرا وقتی ما به هستی و جهان ماتریالیستی بنگریم و همه چیز را در امور مادی منحصر بدانیم و آن را در دایره حصار تنگ تجربه‌گرایی محدود کنیم، تعامل ما با طبیعت و محیط زیست، سلطه‌گرایانه، نفع‌طلبانه، ابزاری و یکجانبه خواهد بود؛ در این صورت انسان، خود را محق می‌داند که از طبیعت بهره‌برداری و استفاده کند بدون اینکه در مقابل آن وظیفه و مسئولیتی احساس بکند. مطهری (۱۳۷۷پ) در این باره چنین نگاشته است: «مادی، واقعیت و وجود را در انحصار آنچه مادی است، می‌داند و به واقعیتی ورای این واقعیت‌ها قائل نیست؛ اما الهی، واقعیت و وجود را در انحصار این امور نمی‌داند؛ این امور را بخشی از واقعیت می‌شمارد نه تمام واقعیت. الهی برخلاف مادی به واقعیات غیر مادی و نامحسوس و مجرد از زمان و مکان و حرکت به واقعیت ثابت و جاودانه، ایمان دارد؛ پس مکتب مادی مکتب انحصار است و مکتب الهی مکتب

1 - Ozone hole  
2 - Inversion  
3 - Acid rains

ضد انحصار» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۴۳).

نگاه انحصارگرایانه تک بعدی به این منجر شد که علم از امور قدسی و معنوی تهی شود و به ابزاری برای تسخیر و بهره‌برداری فزونخواهانه از طبیعت و منابع طبیعی تبدیل شود. نصر (۱۳۸۰) در این باره معتقد است: «یکی از مهمترین آثار و در عین حال، یکی از علت‌های پیدایش جهان‌بینی دنیاگرایی (سکولار) امروزی که در غرب به وجود آمده و در طول دو قرن گذشته به سایر نقاط عالم سرایت کرده است، همانا جدایی دانش و علم از امر قدسی و معنویت است» (نصر، ۱۳۸۰: ۱۱)؛ به این ترتیب، عالم تجدد از تمام شئون هستی و طبیعت، قداست‌زدایی کرده و این بر خلاف الفبای خداشناسی است؛ زیرا «الفبای خداشناسی این است که او خدای همه عالم است و با همه اشیا نسبت مساوی دارد. همه اشیا بدون استثنا مظهر قدرت و علم و حکمت و اراده و مشیت اویند و آیت و حکایت کمال و جمال و جلال او می‌باشند» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۸۴). این قداست‌زدایی از عالم طبیعت به از بین رفتن ارزش ذاتی طبیعت منجر شد؛ به این ترتیب طبیعت، ارزشی ابزاری پیدا کرد و انسان فزونخواهانه با نگاهی مصرف‌گرایانه و استیلاطلبانه به تخریب محیط زیست پرداخته است.

با توجه به اینکه تخریب محیط زیست به معضلی جهانی تبدیل شده است برای جلوگیری از خطر آن، آموزش محیط زیست در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته به گونه‌ای که از دهه ۱۹۷۰ همایش‌های متعددی در سطح بین‌المللی برگزار شده است؛ به عنوان نمونه در سال ۱۹۷۲، همایش سازمان ملل در مورد محیط زیست انسانی بیان کرد که آموزش زیست محیطی برای تغییر نگرش انسان، باید بین‌المللی، همه‌جانبه و شامل همه سطوح آموزشی و برای عموم مردم باشد. این موضوع در مجامع بین‌المللی بسیاری طی ۲۰ سال اخیر بارها مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند گزارش دوم اجلاس روم، همایش آموزش زیست محیطی یونسکو در سال ۱۹۷۷؛ با وجود این، بحثها در مورد مشارکت شهروندان در امور مربوط به محیط زیست بعد از برگزاری همایش محیط زیست و توسعه یونسکو در سال ۱۹۹۲ رونق بیشتری گرفت. خروجی این همایش، مصوبه ماده ۲۱ بود که بر مبنای این، به منظور ایجاد تغییرات زیست محیطی جهانی، طراحی راهبردهای مناسب تقویت حس مسئولیت و مشارکت مردم، مورد تأکید قرار گرفت (هادورن<sup>۱</sup>، البستر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

1 - Maria Hawthorne

2 - Tony Alabaster

با وجود اهمیت این تلاشها در زمینه حل بحران محیط زیست، ضرورت تبیین مبانی، اصول و روشهای تربیت شهروند زیست محیطی از دید اسلام در این ریشه دارد که محیط زیست موهبتی خدادادی و تجلی صفات و نامهای الهی است. نداشتن چنین نگاهی به محیط زیست و حاکمیت نگرش انسان محورانه، حس مالکیت مطلق نسبت به طبیعت، نگاه ابزارگونه و مصرفگرایانه نسبت به آن، از بین رفتن نگاهی قدسی و معنوی نسبت به جهان، عامل گسترش بحرانهای زیست محیطی است (بری<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰؛ نصر، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰). تا زمانی که چنین نگرشهایی اصلاح نشود، تربیت شهروند زیست محیطی در بهبود اوضاع زیست محیطی تأثیر کمتری به جا خواهد گذاشت. بر این اساس در این مقاله بر آن شدیم از دیدگاه اسلام به بررسی این مسئله بپردازیم. در واقع مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، عبارت است از:

۱ - دین اسلام چه تصویری از جهان هستی ارائه می‌کند؟

۲ - تصویری که اسلام از جهان هستی ارائه می‌کند بر اصول و روشهای تربیت شهروند زیست محیطی چه تأثیری می‌گذارد؛ به عبارت دیگر بر نگرش شهروند زیست محیطی چه تأثیری دارد؟  
قبل از پاسخ به این پرسشها به بررسی پیشینه نظری پرداخته می‌شود و بر این اساس ابتدا رویکردهای مختلف نسبت به محیط زیست مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به بررسی پیشینه نظری شهروند زیست محیطی پرداخته می‌شود؛ بعد از پیشینه نظری، پیشینه پژوهشی شهروند زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفته است.

### رویکردهای مختلف نسبت محیط زیست

نسبت به محیط زیست رویکردهای مختلفی هست که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

رویکرد یهودیت: در رویکرد یهودیت، خداوند خالق جهانی هستی است و او از این آفرینش خشنود است. خداوند جهان هستی را کامل آفریده و ساختاری در طبیعت قرار داده است که هر نوع، نوع خود را باز تولید کند. خداوند در داستان آفرینش در ارتباط با تعامل انسان با طبیعت می‌فرماید: «و خدا گفت آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند، حکومت نماید؛ پس خداوند

انسان را شبیه خود آفرید. او انسان را از زن و مرد خلق کرد. ایشان را برکت داده، فرمود: بارور و زیاد شوید؛ زمین را پر سازید؛ بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید. تمام گیاهان دانه‌دار و میوه‌های درختان را برای خوراک به شما دادیم». (تورات، کتاب پیدایش، باب ۱، جمله‌های ۲۶ تا ۲۹).

از این جمله‌ها، نگاهی انسان‌محورانه و تملک‌گرایانه نسبت به طبیعت استنباط می‌شود. توجه به جمله‌های دیگر نشان می‌دهد که اگرچه جهان طبیعت برای انسان ساخته شده است، انسان نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کند. در این رابطه می‌توان به جمله ۱۵ باب ۲ کتاب پیدایش اشاره کرد: «خداوند، آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری نماید». علاوه بر این، عمل حضرت نوح (ع)، هنگام طوفان و همراه کردن موجودات و نجات جان آنها، نمونه دیگری از احساس مسئولیت انسان نسبت به جانداران محیط زیست است. در این رابطه در داستان آفرینش چنین آمده است: «و از تمام حیوانات، خزندگان و پرندگان یک جفت نر و ماده با خود به داخل کشتی ببر تا از خطر این طوفان در امان باشند؛ هم‌چنین خوراک کافی برای خود و برای تمام موجودات در کشتی ذخیره کن» (تورات، کتاب پیدایش، باب ۶، جمله‌های ۲۱ و ۲۲).

پس در کتاب تورات، ضمن اینکه خداوند، محیط زیست را برای انسان آفریده است که از آن بهره‌برداری و استفاده بکند، نسبت به حفظ و بقای آن نیز مسئول است و اجازه تخریب آن را ندارد؛ با این حال در رویکرد یهودیت، فرمانروایی انسان بر طبیعت، مشهودتر و بارزتر است و مسئولیت انسان در مقابل طبیعت مستتر و پنهانتر است.

رویکرد مسیحیت: الهیات زیست محیطی در مسیحیت بر این امور مبتنی است: خداوند منبع همه چیز است. همه مخلوقات خوب هستند. انسان به طور انکارناپذیر به زمین وابسته است. انسان سرپرست زمین<sup>۱</sup> است. سقوط انسان علت سقوط زمین است. انسان همه آفرینش را مانند کلام خداوند می‌داند. ظهور انسان به عنوان فرزندان خدا<sup>۲</sup> علت رستگاری زمین است. انسان با طبیعت رهایی پیدا می‌کند نه خارج از آن. برگشت حضرت عیسی (ع) به زمین، زمین را تباه نمی‌کند بلکه آن را آزاد و دگرگون می‌کند. زمین جدید، توازن زیست محیطی را تجربه خواهد کرد (بیشاپ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱).

1 - Steward the Earth  
2 - Sons of God  
3 - Steve Bishop

نقطه قوت رویکرد مسیحی، نگاه الهی و معنوی نسبت به طبیعت و مؤثر دانستن سقوط معنوی انسان در بحرانهای زیست محیطی است.

رویکرد اسلامی: این رویکرد در نظر متفکرانی همچون اخوان الصفا، ابوریحان بیرونی، ابن سینا، محی الدین عربی، طباطبایی، مطهری، حسین نصر، جوادی آملی و متفکران خارجی از جمله فضلون خلید<sup>۱</sup>، جوان اوبرین<sup>۲</sup> و ماویل عزودین<sup>۳</sup> مورد توجه قرار گرفته است. این متفکران، علت‌های بحران زیست محیطی را بحرانهای ذهنی و معنوی انسان، حاکم شدن فرهنگ صنعتی بر فرهنگ سنتی، حاکم شدن مبانی فلسفی مدرن، گسترش ارزشهای مادیگرایانه، توجه نکردن به ارزشهای روحانی و اهداف معنوی، سلطه بر طبیعت، جدایی علم از امر قدسی، بی‌ایمانی، منفعت‌طلبی، اسراف و اتراف می‌دانند (خلید، اوبرین ۱۹۹۲؛ عزودین ۱۹۹۷؛ نصر، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸)؛ به این ترتیب برای حل بحران محیط زیست بر وابسته بودن طبیعت به وجود خداوند، وجود نظم در آن، هماهنگی درونی و همدلی بین انسان و جهان و اینکه کل حقیقت عالم، متشکل از تجلیات نامها و صفات مختلف الهی است (اخوان الصفا، ابوریحان بیرونی، ابن سینا، محی الدین عربی، به نقل از نصر، ۱۳۷۷) و بر جنبه قدسی طبیعت، شکوه و مجد الهی آن، تجدید حیات معنوی انسان و توجه به آخرت، لحاظ کردن انسان به عنوان خلیفه خدا روی زمین، حفظ تابلوی زیبای آفرینش، وجود پیوند ناگسستنی بین نظام الهی و طبیعت و هماهنگی بین اجزای عالم تأکید می‌کنند (نصر، ۱۳۸۶، ۱۳۷۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲؛ مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲).

رویکرد انسان‌محور: این رویکرد بر سه اصل مبتنی است که عبارت است از: ۱ - انسان محور ارزشگذاری در جهان هستی است. ۲ - انسان آزاد است که هر آنچه دوست دارد انجام دهد به شرط اینکه به دیگران و خود آسیب وارد نسازد. ۳ - تنها اشیای مورد استفاده انسانها دارای ارزش است و در تصمیم‌گیری درباره امور خوب و نیکو به حساب آورده می‌شود. با توجه به چنین اصولی، طبیعت مورد تخریب قرار خواهد گرفت؛ زیرا طبیعت به خودی خود ارزش دارد؛ هر چند مورد استفاده و توجه انسان قرار نگیرد و برخی کارها ناشایست است هرچند به کسی آسیب نرساند (بن‌سن<sup>۴</sup>، ۱۳۸۳، ج ۱). در این رویکرد، طبیعت فاقد ارزش ذاتی و معنوی است و صرفاً ماهیتی

1 - Fazlun Khalid

2 - Joanne O'Brien

3 - Mawil Izzi Dien

4 - John Benson

ابزاری دارد. نتایج زیانبار این رویکرد برای محیط زیست، سلطه بر طبیعت برای کسب ثروت و قدرت و تبدیل شدن طبیعت به منزله کالا است (محمدی اصل، ۱۳۸۸).

رویکرد اکوفمینیسم: اکوفمینیسم جنبش و نظریه عملی است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ توسعه پیدا کرد (مالوری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). این رویکرد به دلیل کارکردهای مشترک دو عنصر بارداری و بازتولید، میان طبیعت و زنان، مدعی پیوندهای ویژه زنان با محیط زیست است. بر این اساس، طبیعت نیز همچون زنان به واسطه حاکمیت عقلانیت مذکر، مورد ظلم واقع شده است و این امر به ارتباط نادرست بین انسان و طبیعت منجر شده است. این ظلم نسبت به طبیعت زمانی به پایان می‌رسد که ظلم نسبت به زنان به پایان برسد (مایر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). البته سایر رویکردهای فمینیستی، اکوفمینیسم را به دلیل تأکید بر زنانگی زنان مورد نقد قرار داده‌اند و بیان می‌کنند: «این طرز تفکر دیدگاهی سنتی از زنان است که فمینیست‌های دیگر برای برچیدن بنای آن پیکار می‌کنند» (بری، ۱۳۸۰: ۱۴۴). این رویکرد نیز جنبه قدسی و معنوی طبیعت را مورد بی‌توجهی قرار داده و به دلیل عدم توجه به خداوند به عنوان حلقه وحدتبخش جهان هستی، صرفاً بین زنان و طبیعت پیوند برقرار کرده است.

رویکرد اکولوژی ژرف: این مفهوم را اولین بار آرنی نائس<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۳ به کار برد و در دهه بعد پرورش یافت. اکولوژی ژرف در تقابل با اکولوژی سطحی<sup>۴</sup> است که در آن نگرانی برای محیط زیست تا حد نگرانی برای منافع بشر کاهش یافته است در حالی که در اکولوژی ژرف، مسائل زیست محیطی در بعد کلان آن و با توجه به ارزش واقعی و ذاتی سیاره ما و کل موجودات آن مورد توجه واقع می‌شود و بر یگانگی و وحدت بین انسان و کل موجودات تأکید می‌کند. به علاوه، اکولوژی ژرف نقطه مقابل رویکرد انسان‌محور است که این دو رویکرد در جدول ۱ با هم مقایسه شده‌اند.

1 - Chaone Mallory  
2 - Elizabeth Mayer  
3 - Arne Naess  
4 - Shallow ecology

جدول ۱: مقایسه رویکرد انسان محور و رویکرد اکولوژی ژرف (اقتباس از بیشاپ، ۱۹۹۱)

رویکرد انسان محور	رویکرد اکولوژی ژرف
سلطه بر طبیعت	هماهنگی با طبیعت
طبیعت به عنوان منبع	طبیعت ارزش ذاتی دارد.
ضرورت رشد اقتصادی برای افزایش جمعیت	استفاده از طبیعت در حد تأمین نیازهای اساسی
نامحدود تلقی کردن منابع	محدودیت منابع زمین
توسعه فناوری	فناوری سازگار با محیط زیست
مصرف گرایی	کم کردن مصرف و بازیابی دوباره مواد دور ریختنی

البته دیدگاه اکولوژی ژرف، ساختارهای عمیق اقتصادی جامعه را در مرکز و محور تحلیل خود قرار نداده است (پالمر، ۱۳۹۰: ۱۳۶). علاوه بر این در این رویکرد، وحدت بین تمام اجزای هستی، ناشی از نگاهی توحیدگرایانه نیست، بلکه ناشی از همذات پنداری شاعرانه انسان با جهان هستی است.

جدول ۲: وجوه افتراق و اشتراک رویکرد اسلامی با رویکردهای انسان محور، اکوفینیسم و اکولوژی ژرف

وجوه اشتراک	وجوه افتراق
تلاش برای ایجاد محیط زیست مناسب	خدا محوری
توجه به ارزش ذاتی طبیعت	توجه به جنبه قدسی طبیعت
هماهنگی با طبیعت	وجود پیوند ناگسستنی بین نظام الهی و طبیعت
بازیابی دوباره مواد دور ریختنی	هماهنگی بین اجزای عالم
ایجاد فناوری سازگار با محیط زیست	توجه به معرفت همراه با معنویت
ترویج رفتارهای زیست محیطی مناسب	توجه به انسان به عنوان خلیفه خداوند روی زمین

با توجه به رویکردهای مختلفی که نسبت به محیط زیست مطرح شد، می توان به رویکردهای ذیل در ارتباط با تربیت شهروند زیست محیطی اشاره کرد.

رویکرد شهروند زیست محیطی لیبرال: این رویکرد تحت تأثیر آموزه های انسان محوری نسبت به طبیعت است. در این رویکرد، اگرچه بر تربیت انسانی متعهد و دارای رفتاری مسؤانه نسبت به



محیط زیست تأکید می‌شود (بل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵، اشلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰)، این امر نه به دلیل ارزش ذاتی و ماهیت مقدس طبیعت است بلکه برای جلوگیری از آسیب زدن به انسان است.

این رویکرد، شهروند زیست محیطی را از زاویه حقوق و وظایف متقابل شهروندان نسبت به محیط زیست می‌نگرد و بر حقوقی همچون برخورداری از محیط زیست سالم، مشارکت در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری درباره آن تأکید می‌کند. با توجه به این حقوق بر فرمانبرداری شهروندان نسبت به قوانین زیست محیطی عادلانه، ارتقا و ترویج عدالت زیست محیطی در سرتاسر جهان تأکید می‌کند (بل، ۲۰۰۵).

رویکرد شهروند زیست محیطی مبتنی بر اکولوژی ژرف: با توجه به اینکه تربیت شهروندی بر اساس رویکرد اومانیستی به تخریب و آلودگی محیط زیست منجر شده است در این رویکرد، تلاش می‌شود بر اساس اصول اکولوژی ژرف به تربیت شهروند زیست محیطی فعالی پرداخته شود؛ به این ترتیب، شهروند زیست محیطی با نگاهی کل‌گرایانه و همذات‌پندارانه نسبت به کل طبیعت احساس مسئولیت می‌کند و به مراقبت از آن می‌پردازد (چمبرلین<sup>۳</sup>، ۱۹۷۷). اکوفمینیست‌ها، اکولوژی ژرف و شهروند زیست محیطی مبتنی بر آن را به دلیل عدم توجه به نقد عقلانیت مذکر، معنای مبهم یکی انگاری به علت توصیفهای گوناگون، لغزنده، ناهمخوان و ناسازگار مورد نقد قرار داده‌اند (بن‌سن، ۱۳۸۳، ج ۲).

رویکرد شهروند اکوفمینیستی: در این رویکرد، زمینه تاریخی به حاشیه رفتن زنان مورد توجه قرار می‌گیرد که به یونان باستان بر می‌گردد. در یونان باستان از نگاه ارسطو، زنان و بردگان شهروند به‌شمار نمی‌رفتند و سکوت برای زنان شایسته بود؛ اما برای مردان نه. مردان باید صحبت می‌کردند و دیگران گوش می‌دادند. زنان بین این سکوت خود و سکوت طبیعت و نگاه سلسله مراتبی که در آن مردان در رأس و زنان و طبیعت در سطح پایین‌تر قرار دارند، رابطه برقرار می‌کنند. بر این اساس، شهروند اکوفمینیستی تلاش می‌کند این نگاه سلسله مراتبی به زنان و طبیعت را به چالش بکشد و به بهبود جایگاه طبیعت و خودشان پردازد (پتس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷)؛ پس، شهروند اکوفمینیستی تلاش دارد به مبارزه با مرد محوری پردازد و جهانی زنانه به وجود آورد؛ زیرا زنان به

1 - Derek R. Bell

2 - Ashley

3 - Chuck Chamberlin

4 - Katherine Pettus

طبیعت نزدیک‌ترند و بیشتر از مردان شایستگی حمایت و محافظت از محیط زیست را دارند (بری، ۱۳۸۰: ۱۴۲)؛ اما در واقع مشکلات زیست محیطی نیازمند خردی دوجنسیتی است نه به وجود آوردن جهانی زنانه (محمدی اصل، ۱۳۸۸).

در بررسی پیشینه پژوهشی، تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام، سابقه ندارد. بنابراین در اینجا پیشینه عام موضوع به صورت خلاصه بیان شده است. بر این اساس، یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی، پیشینه پژوهشی محیط زیست تحت عواملی همچون مبانی محیط زیست و شهروند زیست محیطی صورت بندی شده و به این شرح مورد بررسی قرار گرفته است:

الف - مبانی محیط زیست: مبانی محیط زیست به دو دسته مبانی اعتقادی و مبانی عملی تقسیم شده است: مبانی اعتقادی محیط زیست، بیانگر معیارهای درست اندیشیدن در عرصه محیط زیست است. از جمله این مبانی می‌توان به خداوند خالق عالم هستی، برهان نظم در عرصه محیط زیست، برهان تعادل اکولوژیک (اصغری لقمجانی، ۱۳۷۶)، موهبت الهی بودن حیات، برخورداری همه موجودات از حق حیات یکسان، طبیعت به عنوان دفتر آیات الهی، ربوبیت مطلقه خداوند بر تمام هستی و... اشاره کرد (گرگی زاده، ۱۳۹۰، میرزائی، ۱۳۹۰). مبانی عملی محیط زیست، بیانگر معیارهای درست عمل کردن در عرصه محیط زیست است. مبانی عملی محیط زیست به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول، بیانگر وظایف فردی و اجتماعی در برابر محیط زیست است که به دو عرصه گرایش به رفتارهای هنجار زیست محیطی و پرهیز از رفتارهای نابهنجار زیست محیطی تقسیم می‌گردد. این رفتارهای هنجار و نابهنجار در بعد فردی عبارت است از: تأمین آب و غذای گیاهان و حیوانات، مدارا و ترحم نسبت به حیوانات، ممنوع بودن شکار تفریحی، ممنوع بودن آزار حیوانات و ممنوع بودن اسراف (اسلامی، ۱۳۸۹) و در بعد اجتماعی، بر وظایف افراد جامعه و حکومت اسلامی در برابر محیط زیست ناظر است؛ وظایف افراد جامعه در برابر محیط زیست عبارت است از: گرایش به رفتارهای هنجار زیست محیطی، کارکردهای سازنده و اصلاحگرانه در عرصه محیط زیست (اصغری لقمجانی، ۱۳۷۶)، امر به معروف و نهی از منکر (اسلامی، ۱۳۸۹)، احترام به حیات همه موجودات (گرگی زاده، ۱۳۹۰). وظایف حکومت اسلامی در برابر محیط زیست عبارت است از: پی‌ریزی قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات الهی، اجرای قانون، مبارزه با مفسدان و تضمین اراده الهی در تأمین مصالح عمومی، اجرای تعهدات و پیمانهای زیست محیطی (اصغری لقمجانی، ۱۳۷۶).

در پژوهشهای خارجی، با توجه به مسائل و مشکلات زیست محیطی و پیامدهای آن، فلسفه شهروند زیست محیطی بر این اصول ناظر است: افراد بخشی از محیط زیست هستند. آینده به محیط سالم بستگی دارد. جدیت در رفتار زیست محیطی لازم است. محیط زیست سالم خواسته مردم است و مردم رأی دهنده آگاه در ایجاد محیطی سالمتر و موفقتر خواهند بود (بس، بی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). از دیگر اصول شهروند زیست محیطی، اصل توسعه پایدار است. توسعه پایدار نگرشی جدید درباره توسعه است که در آن به همه جنبه‌های اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی توسعه توجه می‌شود (میولر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). گسترش فلسفه شهروند زیست محیطی به گسترش رفتارهای مطلوب زیست محیطی در سه بعد فردی، اجتماعی و سیاسی منجر شده است. در بعد فردی رفتارهای زیست محیطی مسئولانه‌ای همچون خرید محصولات سبزتر (محصولاتی که به حال محیط زیست زیان‌آور نیست و قابل بازگشت به محیط زیست است)، کاهش مصرف و آگاهی از تأثیرات تصمیمات مصرف خصوصی بر محیط زیست است. در بعد اجتماعی، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه‌ای همچون عضویت در احزاب طرفدار محیط زیست و فشار بر دولت‌ها برای تصمیم‌گیریهای زیست محیطی و تغییر سیاستها است. در بعد سیاسی از تصویب قوانین زیست محیطی مثل تصویب مالیات بر فعالیت‌هایی که به تولید دی‌اکسید کربن منجر می‌شود و کاهش بهره‌کشی از منابع است (مور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲).

توسعه پایدار، که یکی از محورهای اصلی شهروند زیست محیطی است به دلیل انسان‌محورانه بودن آن عمدتاً به جنبه‌های مادی و فیزیکی محیط زیست می‌پردازد تا جنبه معنوی؛ بنابراین لازم است ارزشها و باورهای دینی در توسعه پایدار ارتقا یابد تا توسعه پایدار، جهتگیری کمال‌گرایانه داشته باشد (امین‌زاده، ۱۳۸۰؛ محقق داماد، ۱۳۸۰). البته ضعف عمده رویکردهای زیست محیطی و تربیت شهروند زیست محیطی غیر دینی، عدم توجه به بعد معنوی و ارزشها و باورهای دینی است که غفلت از آنها در ایجاد بحرانهای زیست محیطی نقش تأثیرگذاری داشته است. با توجه به این موضوع و خلأ پژوهشی تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام و با نظر به اینکه دین اسلام، دین جامعی است، شهروند زیست محیطی از دید اسلام مورد بررسی قرار گرفته شده است.

1 - Don WallBs Ba  
2 - Hannah Mueller  
3 - Sharon Moore

## روش پژوهش

در این پژوهش برای دستیابی به مبانی هستی‌شناختی تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام به این صورت عمل شده است:

۱- ابتدا به مطالعه پیشینه نظری و پژوهشی پرداخته شده است؛ سپس بر اساس عوامل به دست آمده، راهنمایی استادان، ذهنیت محقق و میزان آشنایی او با مباحث علوم دینی و با تمرکز بر فرهنگ موضوعی قرآن مجید به شناسایی آیات مرتبط با موضوع بحث پرداخته شده است.

۲- مراجعه به تفسیر آیات انتخاب شده بر این اساس، تفسیر آیاتی که با موضوع مورد بحث و فهرست موضوعی همخوانی داشت، مورد استفاده قرار گرفت. لازم به ذکر است که با توجه به اینکه روش علامه طباطبایی، روش تفسیر قرآن به قرآن است به این ترتیب در تفسیر یک آیه به آیات مرتبط نیز اشاره می‌کند که این موضوع باعث شد، محقق با دامنه وسیعتری از آیات مرتبط با موضوع بحث آشنا شود و از میان این آیات، آیاتی که با موضوع بحث بیشتر مرتبط بود، انتخاب شد.

۳- اگر تفسیر آیات با فهرست موضوعی همخوانی نداشت، تفسیر آیه مبنا قرار گرفت و از آن آیات در ارتباط با موضوع صرف نظر شد؛ به عنوان مثال در بحث ابتدای طبیعت بر نظامی عادلانه در فهرست موضوعی تحت عنوان «العدل» آیات مختلفی بیان شده که در بعضی آیات عدل به معنای «فدیه»<sup>(۱)</sup>، و در بعضی آیات عدل به معنای «داد»<sup>(۲)</sup> است. فقط آیه ۷ سوره رحمان بود که به ابتدای طبیعت بر نظامی عادلانه اشاره دارد.

۴- بعد از استفاده از این نکات در تفسیر آیات با توجه به پیشینه پژوهش و ذهنیت محقق، عنوانی برای مبانی انتخاب شد.

۵- سپس با راهنمایی استادان محترم، عنوانهایی که برای مبانی انتخاب شد، مورد بازبینی دوباره قرار گرفت به صورتی که بیشتر مبانی حداقل دو یا سه بار تغییر یافت تا به عنوانی دست یافتیم که با موضوع مورد بحث مناسب است.

در قسمت بعد بر اساس مبانی با استفاده از روش استنتاجی مبتنی بر قیاس عملی به استخراج اصول و روشهای مرتبط با تربیت شهروند زیست محیطی پرداخته شده است. لازم به ذکر است که بین مبانی، اصول و روشها رابطه‌ای طولی برقرار است؛ به این معنی که اصول، مبانی را محقق

می‌سازد و روشها اصول را. ذیلاً نمونه‌ای از استنتاج اصل از مبنا و روش از اصل نمایش داده شده است.

هدف: شهروند جهانی باید با محیط زیست تعاملی معنوی داشته باشد.

گزاره واقع‌نگر مبنایی: تعامل معنوی با طبیعت در گروهی برخوردار از طبیعت از ماهیتی از اویی و به سوی اویی است.

اصل: شهروند زیست محیطی برای تعامل معنوی با طبیعت، باید به تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت پردازد.

گزاره واقع‌نگر مصداقی: ایجاد نگرش محافظت از طبیعت به عنوان ودیعه الهی یکی از مصداقهای تقویت توجه به طبیعت به عنوان ماهیت از اویی و به سوی اویی است.

روش: شهروند زیست محیطی برای تعامل معنوی با طبیعت و تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت، باید به ایجاد نگرش محافظت از طبیعت به عنوان ودیعه‌ای الهی پردازد.

### یافته‌های پژوهش

مبانی، اصول و روشهای تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام

برخی از مبانی، اصول و روشهای تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام به این شرح است:

مبنا: طبیعت، دارای ماهیتی از اویی و به سوی اویی است: از دیدگاه اسلام، خداوند مبدأ و مقصد همه موجودات از جمله طبیعت است؛ هم‌چنانکه خداوند در سوره بقره آیه ۱۵۶ می‌فرماید: «ما ملک خداییم و به‌سوی او باز خواهیم گشت». این آیه ناظر بر مالکیت مطلق خداوند بر تمام هستی است و اینکه همه موجودات به سوی او باز می‌گردند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱). هم‌چنین آیه ۲۵۵، سوره بقره «خداوند یکتا است که معبودی به جز او نیست. خدایی است زنده و پاینده». این آیه بر این ناظر است که خداوند متعال از آنجا که مبدأ هستی است، وجود هر چیزی با تمام اوصاف و آثارش از ناحیه او آغاز می‌شود، به او ختم می‌شود و او قائم بر هر چیز و از هر جهت است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲)؛ به این ترتیب، جهان هستی و از جمله طبیعت نیز ممکن الوجود هستند که نسبت آنها با هستی و نیستی یکسان است؛ نه در پیدایش و نه در بقای وجودش هیچ‌گونه

استقلالی ندارد و قائم به وجود دیگری است که ذاتاً غنی و مستقل است (طباطبایی، ۱۳۸۸). بر این اساس، خداوند علتی است که تمامی علتها به او منتهی می‌شود و آفرینش هم، هر چه باشد به خداوند متعال مستند است و او مالک و مدبر تمام هستی است.

اصل: تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت: یکی از دلایل بحرانهای زیست محیطی، توجه به جنبه مادی طبیعت و غفلت از بعد معنوی طبیعت است که باعث شده است ما امروزه با بحرانهای زیست محیطی متعددی روبه‌رو شویم. زمانی که متفکرانی همچون فرانسیس بیکن، که علم را ابزاری در دستان انسان تصور می‌کردند که باید به وسیله آن انسان را به سعادت نائل گرداند، سعادت که مهمترین شاخص آن، حظاً کامل از زندگی این جهان و کامجویی حداکثری از حیات است (کرباسی‌زاده و شیراوند، ۱۳۹۳: ۴۷۰) و از طریق پیشرفتهای شگرف علمی و فناوریانه، دنبال فراهم کردن زندگی بهشتی برای انسان در روی زمین بودند، فکر نمی‌کردند که با دست خود به تباه شدن زندگی خود و موجودات دیگر کمک کنند؛ به این ترتیب، انسان با رفتاری که برای سعادت و رفاه خود انجام داده به سعادت دست نیافته است که انتظار داشت؛ بلکه با تهدیداتی نیز روبه‌رو شده است که تلاش دارد این تهدیدات را نیز با همان رویکرد انسانگرایانه، عقلگرایانه و علمگرایانه بدون آشتی با معنویت حل کند که متأسفانه در این راه توفیق چندانی به دست نیاورده است. در توصیف چنین حالتی است که خداوند متعال در سوره طه، آیه ۱۲۴، سوره کهف، آیه ۱۰۱ و سوره زخرف، آیه ۳۶ می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى: و هر کس از کتاب من روی بگرداند، وی را روزگاری سخت خواهد بود و او در روز قیامت کور محسور می‌شود. الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَ كَانُوا لَا يَسْتَشْعِرُونَ سَمْعًا: همان کسان که دیدگان‌شان از یاد من در پرده بوده و شنیدن نمی‌توانسته‌اند. وَ مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ: و کسی که از یاد رحمان خود را به کوری بزند، شیطانی برایش مقدر می‌کنیم تا همواره قرینش باشد».

قرشی بنایی در ارتباط با کلمه «نُقَيِّضُ» اظهار می‌کند: «قیض در اصل پوست تخم مرغ است. راغب گفته برای اوست شیطانی که مانند پوست تخم مرغ بر او مستولی شود» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۶۹). به تعبیر قرآن کریم، انسان خود را درون پوسته تخم مرغی قرار داده است و به جهان هستی با نگاهی انحصارگرایانه و مادیگرایانه می‌نگرد؛ اگرچه بر پوسته‌های این تخم مرغ، ترکهایی نشسته است تا انسان از نگاه تنگ و محدود به درآید و بتواند به عبودیت آفاقی که ناظر بر

نمود آفاقی عبادت است، نائل آید (کیلانی، ۱۳۸۹). بر اساس عبودیت آفاقی، صاحب‌نظران بویژه متخصصان علوم طبیعی باید نتایج مطالعات خودشان را درباره طبیعت به عنوان جلوه‌ها و آیات الهی معرفی، و مستندات را آشکار کنند که بر تسلط و قدرت و اراده آفریدگار بر هستی ناظر است. هم‌چنین در اثر این تلاش علمی خود در آزمایشگاه آفاق الهی به عبودیت خداوند نائل شوند و خداوند را کاملاً دوست بدانند و به طور کامل از او اطاعت کنند و دیگران را به این دوستی و اطاعت فرا خوانند. به علاوه، نسلهای جدید را قانع سازند که محبت کامل و اطاعت کامل خداوند، ضروری و معقول است که این موضوع با تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت قابل دستیابی و تحقق است.

روش: ایجاد نگرش حفاظت از طبیعت به عنوان ودیعه الهی: یکی از راه‌های تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت، ایجاد نگرش محافظت از طبیعت به عنوان ودیعه الهی است. این موضوع در این ریشه دارد که خداوند متعال، طبیعت و منابع آن را به عنوان موهبت، ودیعه و امانتی الهی برای کمک به تحقق زندگی انسان آفریده است و انسان تا زمانی که در این کره خاکی زندگی می‌کند از خیرات و فیوضات بی‌نهایت مواهب طبیعی بهره‌مند خواهد بود؛ ولی با وجود این، انسان به تخریب محیط زیست پرداخته و مواهب الهی را با تهدید روبه‌رو کرده است. خداوند متعال در این باره در سوره ابراهیم، آیه ۳۴ می‌فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ: و از هر چه خواستید به شما عطا کرد و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید، قدرت آن را نخواهید داشت. بدرستی که انسان، بسیار ستم‌پیشه و ناسپاس است».

بر اساس این آیه، خداوند متعال به نوع انسان هرچه نیاز داشته، عطا کرده است که از جمله این عطایای الهی همین محیط زیست است که مایه تأمین زندگی و حیات انسان است؛ ولی، این انسان ستم‌پیشه و ناسپاس به تخریب محیط و نعمت‌های الهی پرداخته و موجبات ظلم بر خویشتن و محیط زیست را فراهم آورده است؛ پس، انسان باید در استفاده از طبیعت و برای امکان تحقق زندگی خود روی کره زمین، این ودیعه الهی را پاس بدارد؛ از آن حفظ و نگهداری کند و موجب تخریب آن نشود تا طعم مطبوع مواهب الهی را احساس کند؛ هم‌چنانکه امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «خلق له الشجر، فکلف غرسها و سقیها و القیام علیها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۸۶): درخت برای انسان آفریده شده؛ پس انسان موظف است آن را بکارده؛ آب دهد و از آن محافظت کند.

روش: ایجاد نگرش توجه توأمان به ارزش ابزاراری و معنوی طبیعت: یکی از راه‌های تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت و برقراری تعامل مناسب با آن، گذر از نگرش ابزارانگارانۀ صرف به طبیعت به ابزارانگاری همراه با توجه به ارزش معنوی طبیعت است. در آیات الهی، نگرشی ابزاراری نسبت به طبیعت مورد توجه واقع شده است. خداوند در سوره جاثیه آیه ۱۳ می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌ها (ی‌مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند».

کلمۀ تسخیر، که در آیات متعددی به کار برده شده به معنی وادار کردن به عمل با قهر و اجبار است؛ هم‌چنین، تسخیر این است که شیء را به غرض مخصوصی با قهر سوق کنند. به علاوه در معنای رام کردن نیز به کار رفته است (قریشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳). بر اساس این دسته از آیات الهی، محیط زیست و هر آنچه در آن هست، مسخر، فرمانبردار، خدمتگزار و در مسیر منافع انسان هستند. این قبیل تفسیر از آیات الهی به گسترش نگاه ابزاراری به طبیعت و ایجاد زمینۀ سلطۀ انسان بر طبیعت منجر می‌شود؛ پس لازم است در کنار نگرش ابزاراری به طبیعت به ارزش معنوی و ذاتی طبیعت نیز توجه کرد. ارزش معنوی و ذاتی طبیعت به این معنا است که اگر تمام ارزشگذاران (انسانها) از صحنۀ تکامل ناپدید شوند، باز سایر گونه‌ها دارای ارزش هستند؛ پس، جهان هستی و طبیعت، مستقل از ارزشگذاری انسان ارزشی ذاتی و معنوی دارد. از سوی دیگر، محیط زیست وقتی مورد بهره‌برداری انسان قرار گرفت، پس از آن وجود و عدمش یکسان نیست؛ بلکه وجود طبیعت همان‌طور ضروری است که قبل رسیدن انسان به هدفش، ضروری بود. به علاوه ذاتی بودن ارزش طبیعت هم‌چنین می‌تواند بر این ناظر باشد که طبیعت و انسان هر دو مراتب و درجاتی از یک حقیقت هستند و تجلی آفریدگار خویشند.

توجه توأمان به ارزش ابزاراری و ذاتی طبیعت، رویکردهای جانور محور را دچار چالش می‌کند که قائل به برابری میان انسان و حیوان هستند و بر این اساس تغذیه از حیوانات را منع می‌کنند و انسان را به گیاه‌خواری تشویق می‌کنند. در حالی که با توجه به همراهی ارزش ابزاراری و ذاتی طبیعت ما می‌توانیم از حیوانات، گیاهان و منابع طبیعی، متناسب با نیاز طبیعی خود استفاده کنیم و در ضمن به رعایت حقوق حیوانات (نگهداری مناسب از آنها، عدم اذیت و آزار آنها، کار کشیدن از آنها به اندازه توان، توجه به تأمین نیازهای اساسی آنها)، گیاهان (حفظ تنوع زیستی گیاهان،



پرورش مناسب آنها) و چشم‌اندازهای طبیعی (حفظ و نگهداری از آنها، به کار بردن مهندسی مناسب برای زیبا سازی آنها، پرهیز از توسعه ساخت و ساز در چشم‌اندازهای طبیعی) ملزم هستیم. روش: ایجاد نگرش به مطالعه طبیعت به عنوان جلوه‌های الهی: برای تحقق این روش، لازم است طبیعت به عنوان کتاب خداشناسی و کسب معرفت نسبت به خدای سبحان، صفات و افعال او به شمار آید. این روش از طریق ارتقای نگاه معنوی نسبت به طبیعت و توجه به ارزش معنوی آن به عنوان جلوه الهی، موجب فراهم آوردن فرصتهای تعامل مناسب با محیط زیست می‌شود. خداوند متعال، در آیه ۱۶۴ سوره بقره بر جلوه الهی طبیعت تأکید، و در این رابطه می‌فرماید: «...آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنندگان را در آن گسترده، نشانه‌هایی است برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند». با این حال انسان در دوران مدرنیته با اینکه مشتاق کشف قوانین علمی بود، هدف کشف قوانین و شناخت پدیده‌ها و ارتباط آنها با همدیگر بر پایه ایجاد حیرت انسان در برابر خالق و در نهایت، تولید انسان مؤمن نبوده است، بلکه انسان از این رهگذر به دنبال استیلا و فرمانروایی انسان بر طبیعت بوده است (کرباسی‌زاده و شیراوند، ۱۳۹۳).

مبنا: سراسر هستی کلمه الله است: برای کلمه الله بودن هستی دو معنا می‌توان لحاظ کرد

که عبارت است از:

الف - آفرینش و ایجاد: کلمه الله بودن هستی در این ریشه دارد که هستی مخلوق و آفریده خداست و بر وجود او دلالت می‌کند. به همین دلیل است که خداوند در سوره نساء آیه ۱۷۱، مسیح را کلمه خدا نامیده است و می‌فرماید: «جز این نیست که مسیح، عیسی بن مریم رسول الله و کلمه او است». به علاوه، کلمه به همه موجودات جهان هستی اشاره می‌کند که هر کدام از صفات گوناگون پروردگار حکایت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۷۳)؛ پس همه اشیا برای خدای تعالی کلمه الله هستند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۵).

ب - آیه و نشانه: کلمه الله بودن هستی در آیه و نشانه بودن هستی برای درک آن از جانب انسان ریشه دارد. جوادی آملی در این رابطه بیان می‌کند: «سر اینکه قرآن، سراسر هستی را کلمه - الله می‌داند این است که هر موجودی از موجودات جهان آفرینش، آیه و نشانه حق است و غیب را نشان می‌دهد و نهان را آشکار می‌سازد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۹).

اصل: تأویل و تفسیر طبیعت: با توجه به اینکه طبیعت، کلمه الله است، سخنی برای گفتن

دارد و انسان می‌تواند به کلام طبیعت گوش دهد و از آن درسهای بیشماری بگیرد؛ زیرا طبیعت متنی محدود نیست که معنای واحد داشته باشد، بلکه متنی گسترده است که امکان تأویل و تفسیر دارد؛ به عنوان نمونه هنرمند از نگاه هنری به تفسیر طبیعت می‌پردازد و رمز و راز آن را در می‌یابد و عارف نیز قادر است فهمی متفاوت از دیگران نسبت به طبیعت داشته باشد.

روش: گذر از حجاب طبیعت: متأسفانه امروزه چون افراد، دلمشغولیهای مختلفی دارند و در زندگی صنعتی دچار نوعی شتابزدگی هستند، تأملی بر طبیعت ندارند و از زیباییهای طبیعت التذادی نمی‌برند و احساس نشاط نمی‌کنند در حالی که می‌توان با گذر از حجاب طبیعت، کشف نظم و نظام آن، عظمت پدیده‌های طبیعی، حکمت و تدبیر الهی در آنها احساس نشاط کرد؛ هم‌چنان که حضرت علی (ع)، می‌فرمایند: «نگاه به سبزه‌زار، درمان‌کننده و نشاط‌آور است» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۷۲۷) و پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «به سبزه نگریستن بینایی را فزون می‌کند» (پابنده، ۱۳۸۲: ۷۹۰). این نگریستن درمانگرانه و نشاط‌افزا، نگریستی شتابزده و سطحی نیست، بلکه نگریستی متأملانه، دقیق، هنرمندانه است که فرد را از ظاهر پدیده‌ها به باطن آنها رهنمون می‌کند و بدین طریق پیوند و الفتی مثبت بین فرد و آن پدیده طبیعی ایجاد می‌شود.

متأسفانه، پژوهشگران علم و فناوری با فروکاستن طبیعت به جنبه مادی، طبیعی، مکانیکی و غیر الهی کردن طبیعت و با داشتن نگرشی ابزاری و حقیرانه نسبت به آن، دیگر باطن و معنایی برای طبیعت قائل نیستند تا با گذر از حجاب طبیعت آن را دریابند؛ به عنوان مثال، «طبیعت نزد بیکن، بخشی کاملاً بریده شده از ماورای طبیعت و قوس صعود است. وی با همین نگرش، غایتمندی طبیعت و اجزا و مراتب آن را بکلی نفی، و بیان می‌کند که علت غایی به جای اینکه موجب پیشرفت علم شود، موجب تباهی آن می‌شود» (کرباسی‌زاده و شیرواند، ۱۳۹۳: ۴۸۳).

روش: همسخنی انسان و طبیعت: همسخنی انسان با طبیعت بر این فرض استوار است که وقتی انسان و طبیعت هر دو کلمه الله هستند، می‌توانند متقابلاً همسخن شوند و این امر باعث می‌شود انسان و طبیعت متقابلاً در خدمت یکدیگر باشند و هم‌چنین در مقابل رفتارهای هم‌ساکت نشینند؛ به عنوان مثال، اگر حوادث طبیعی حیات انسان را به مخاطره بیندازد، انسان سعی می‌کند از طریق همسخنی با طبیعت و فهم فرایندهای آن خود را از مخاطرات آن نجات دهد. طبیعت نیز در صورت تحدید حیاتش به وسیله انسان از خود واکنش نشان می‌دهد و به این طریق با انسان همسخن می‌شود و پیام رفتار نامناسب انسان را به وی گوشزد می‌کند و انسان با دریافت همین پیامهای طبیعت است

که به فکر اصلاح رفتار خود می‌افتد؛ اما متأسفانه «روش ما در مقابل طبیعت این است که آن را بکوییم و مغلوب خویش سازیم ولی اگر به جای خودکامگی و بدبینی در مقابل این سیاره خود را با آن وفق می‌دادیم و قدرشناسانه به آن می‌نگریستیم شانس بقای ما بیشتر بود» (کارسون<sup>۱</sup>، ۱۳۵۸، مقدمه: ۸).

مبنا: وحدانیت انسان و طبیعت در مبدأ آفرینش: وحدانیت در هستی در این ریشه دارد که خداوند مبدأ آفرینش آسمانها و زمین و هر آن چیزی است که در آنها هست؛ پس خداوند حلقه وحدت بخش تمام هستی است. بر این اساس، مجموع عالم یک چیز است و خداوند مبدأ آفرینش و اله تمام موجودات است. خداوند در این رابطه در سوره بقره آیه ۱۶۳ می‌فرماید: «خدای شما، خداوند یگانه‌ای است که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان». این آیه هم دلیل بر وجود اله، و هم دلیل بر وحدت او است؛ به این معنا که اله تمام موجودات جهان هستی یکی است و همان یک اله، اله انسان نیز هست؛ پس تمام جهان هستی، واحد است و اداره و تدبیر آن نیز به هم پیوسته و متصل است؛ اگر چه اجزایش بسیار و احکامش مختلف باشد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱). بر این اساس، بین انسان و هستی یگانگی برپاست نه تنازع بقا.

اصل: تقویت توجه به وحدانیت انسان و طبیعت: برای اینکه انسان در اتحاد با طبیعت به سر برد، باید توجه به وحدانیت انسان و طبیعت را تقویت کرد و نگاهی وحدت بخش به کل هستی داشت و نه نگاهی جزءنگر؛ زیرا نگاه وحدت بخش بر این بصیرت مبتنی است که «اختلال در نظام خودسامانده محیط زیست جز با هماهنگی و نفی سلطه‌گری نفی نمی‌شود» (محمدمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۷۵). علاوه بر این، قرار گرفتن انسان در مسیر انسانیت، وحدت و یگانگی بین انسان و طبیعت را تقویت می‌کند؛ هم‌چنانکه خداوند متعال در سوره اعراف، آیه ۹۶ می‌فرماید: «اگر مردم اهل ایمان و تقوا باشند، فرزندان صالح این عالم و جهان می‌شوند؛ آن‌گاه جهان هم خیر خودش را به سوی این فرزند صالح خودش روانه می‌کند». به همین دلیل است که مطهری بیان می‌کند: «ایمان مذهبی پیوندی است دوستانه میان انسان و جهان و به عبارت دیگر نوعی هماهنگی است میان انسان و آرمانهای کلی جهان» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۲ و ۴۳).

روش: تقویت رفتارهای سازگار با طبیعت: با توجه به اینکه انسان مانند سایر انواع موجودات، خودش به سایر اجزای عالم مرتبط و وابسته است و به هیچ وجه از آنها مستقل نیست و بین انسان

و طبیعت وحدت و یگانگی هست، رفتارهایی که از او سر می‌زند و اعمالی که در مسیر زندگی و در سیر به سوی پیشرفت و سعادت از خود نشان می‌دهد با سایر اجزای عالم ارتباط کامل دارد. این ارتباط به گونه‌ای است که اگر رفتار انسان صالح و سازگار با طبیعت و اجزا و موجودات آن باشد، آن موجودات نیز با او سازگار خواهند بود. در این حالت، طبق آیه‌ای که قبلاً به آن اشاره شد (آیه ۹۶ سوره اعراف)، برکات آسمان به سویس سرازیر خواهد شد. اگر انسان رفتاری سازگار با طبیعت نداشته باشد، طبیعت نیز با او سازگاری نخواهد داشت و به این طریق انسان مقدمات نابود ساختن خود و طبیعت را فراهم خواهد کرد.

منا: طبیعت قدسی است: قداست طبیعت در این ریشه دارد که طبیعت دارای دو جنبه مادی و معنوی است و بین این دو جنبه ارتباط وجود دارد. در این باره خداوند متعال در سوره یس آیه ۸۳ می‌فرماید: «فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتَهُ كُلَّ شَيْءٍ». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌کند: «ملکوت هر چیز آن جهتی است که رو به خدا است و ملک آن سمت رو به خلق است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۷۳).

از سوی دیگر، قداست طبیعت در تسبیح طبیعت ریشه دارد و اینکه تمام موجودات عالم در حال تسبیح خداوند هستند. به این امر در سوره سبأ آیه ۱۰ و در سوره ص آیه ۱۸ و ۱۹ اشاره شده است. خداوند در این آیات می‌فرماید: «ای کوه‌ها و ای مرغان! با تسبیح داود همصدا شوید». «ما کوه‌ها را مسخر داود ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند! پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)».

اصل: احترام به طبیعت به عنوان موجودی مقدس: طبیعت از مبثئ الهی و حقیقتی قدسی سرچشمه گرفته است و علاوه بر جنبه طبیعی و ملکی، جنبه ملکوتی و قدسی نیز دارد؛ پس، طبیعت مقدس است و به این جنبه قدسی طبیعت باید احترام گذاشت.

توجه به جنبه قدسی، چهره جهان را در نظر انسان تغییر می‌دهد؛ عناصری علاوه بر عناصر محسوس در ساختمان جهان ارائه می‌کند؛ جهان خشک و سرد مکانیکی و مادی را به جهانی جاندار و ذی‌شعور و آگاه تبدیل می‌کند. بر این اساس، شهروندان در تعامل با محیط زیست، باید به سمتی حرکت کنند که جنبه قدسی و معنوی طبیعت را مورد توجه قرار دهند. متأسفانه در دوران مدرنیته در اثر گسترش نگاهی مکانیکی، خشک، بی‌روح و سرد به طبیعت و جدایی دانش و علم از امر قدسی و معنوی، جنبه قدسی طبیعت مورد بی‌توجهی واقع شده است. این بی‌توجهی به جنبه

قدسی، باعث بریدن پیوند دوستانه میان انسان و جهان شده و مسائل، مشکلات و بحرانهای زیست محیطی مختلفی را ایجاد کرده است.

روش: احیای پیوند بین علم و معنویت: یکی از علت‌های پیدایش جهان‌بینی دنیاگرایی، که امروزه در غرب به وجود آمده و در طول دو قرن گذشته به سایر نقاط عالم سرایت کرده است، جدایی دانش از امر قدسی است که این به بی‌توجهی به جنبه قدسی طبیعت منجر شده است؛ به این ترتیب، جهان‌بینی علم متجدد حتی اگر تا کهنکشانها گسترش داشته باشد، تمام تلاش خود را صرف امور محسوس طبیعت کرده است که این موضوع یکی از عوامل مؤثر در بحران محیط زیست است. در جهان‌بینی اسلامی، پیوند آشکاری بین علم و معنویت وجود دارد؛ زیرا آموختن، تعلیم دادن و شناخت در هر مرحله‌ای، تجلی اسم الاهی «العلیم و الحکیم» است (نصر، ۱۳۸۰).

روش: قداست‌بخشی به پرورش گیاهان: در نگاه دینی، کاشت گیاه یا نهال با یاد خدا و خواندن دعا آغاز می‌شود که این امر جنبه قدسی طبیعت را بیشتر برای ما نمایان می‌کند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «إذا بذرت فقل اللهم قد بذرت و أنت الزارع. فاجعله حبا متراكبا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰: ۳۷۸): هنگامی که خواستی بذری را بکاری بگو خدایا من بذر را کاشتم و تو آن را می‌رویانی و پرورش می‌دهی؛ پس به آن دانه‌های پر بار عطا کن. از سوی دیگر، همراه شدن پرورش گیاهان با نظر به جنبه قدسی طبیعت، باعث افزایش مقام کشاورز نزد خداوند می‌شود. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «کشاورزان گنجهای خلقند؛ چیزی پاکیزه می‌کارند و خداوند بزرگ آن را از زمین بر می‌آورد و آنان در روز قیامت بهترین مقام را دارند و در نزدیکترین منزلت قرار می‌گیرند. آنان «مبارکان» (فرخندگان، برکت‌داران) خوانده می‌شوند» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۵: ۵۱۲)

مبنا: ابتدای طبیعت بر نظام احسن: بر اساس این مبنا، آنچه در طبیعت اصالت دارد، زیبایی، تناسب و هم‌آوایی است و اختلال و بی‌نظمی، عارضی و عدمی است. کلمه حسن نیز بر همین ناظر است و به معنای هر چیز بهجت‌آفرین و شادی‌بخش است که مورد رغبت انسان است؛ اما حقیقت حسن تناسب و سازگاری اجزای هر چیز نسبت به هم و سازگاری همه اجزا است برای هدفی که خارج از ذات آن است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶). خداوند در این باره در سوره سجده آیه ۷ می‌فرماید: «او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید» و هم‌چنین در سوره ملک آیه ۳ می‌فرماید: «و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟».

اصل: مسئولیت نسبت به حفظ نظام احسن طبیعت: حفظ هماهنگی محیط زیست و طبیعت و پرهیز از اموری که در این نظام اختلال ایجاد کند، از مسئولیتهای هر انسانی است؛ زیرا نقش انسان در نظام تکاملی ضروری جهان، جبران کمبودها و پر کردن خلأها و ریشه کن کردن ریشه‌های این خلأها و کمبودهاست (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱). حضرت علی(ع) نیز در ارتباط با چنین مسئولیتی نسبت به محیط زیست در معنای وسیع آن می‌فرماید: «بندگان خدا! خدا را در نظر بگیرید. شما نسبت به جماعتها و شهرهای خدا و نسبت به افراد بندگان خدا، نسبت به همه چیز مسئولیت دارید؛ حتی نسبت به بقعه‌ها و سرزمینها و نسبت به حیوانات اهلی که در اختیار شماست» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲: ۱۳۱).

روش: کسب و تقویت آگاهی نسبت به محیط زیست به عنوان یک نظام احسن: تحقق مسئولیت نسبت به حفظ نظام احسن، مستلزم داشتن اطلاعات کافی و مناسب درباره فرایندهای زیست محیطی و عوامل اختلال برانگیز در آنها است؛ به این ترتیب از شهروندی که در زمینه مسائل و مشکلات زیست محیطی آگاهی دارد، اما آگاهی او به باور و اعتقاد تبدیل نشده است، نمی‌توان انتظار رفتاری مسئولانه داشت؛ پس، کسب و تقویت آگاهی که به مرحله اعتقاد و باور رسیده باشد، می‌تواند به توجه به پیامدهای زیست محیطی رفتار خود و داشتن رفتاری مسئولانه نسبت به حفظ نظام احسن منجر شود. پژوهشهای مختلف نیز این موضوع را تأیید می‌کند که داشتن آگاهی مناسب و کافی درباره بحرانهای زیست محیطی در ایجاد رفتار زیست محیطی مناسب مؤثر است (حسینی، ۱۳۹۰؛ عرفانی نژاد، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر، کسب و تقویت آگاهیهای زیست محیطی در قالب نظام احسن، باعث می‌شود رفتارهای درست زیست محیطی را با آسانی بیشتری تشخیص دهیم؛ زیرا رفتار زیست محیطی مناسب، رفتاری است که به حفظ نظام احسن و هماهنگی طبیعت منجر شود. لئوپولد در این باره بیان می‌کند که رفتار زیست محیطی درست، رفتاری است که حافظ و گسترنده زیبایی، انسجام و تکامل محیط زیست باشد و آن عملی نادرست است که این وضع را نقض کند (اسلامی، ۱۳۹۲).

مینا: ابتدای طبیعت بر نظامی عادلانه: در این مینا، دو وجه از معنای عدالت مورد نظر است: نخست عدالت به معنای موزون بودن طبیعت و دوم عدالت به معنای برابری است. عدالت در معنای نخست امری است که در تمام طبیعت ریشه دوانیده و طبیعت بر اساس عدالت انتظام یافته است. پیامبر اکرم(ص) در این رابطه می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ» (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲ق: ۵۵۱). یعنی با توزیع مساوی و موزون اجزای عالم، آسمانها و زمین برقرار شده‌اند. خداوند نیز در این رابطه در سوره حجر آیه ۱۹ می‌فرماید: «و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های ریشه‌دار نهاديم و نیز از هر چیزی موزون در آن رویاندیم»؛ به این ترتیب در نگاه قرآن، عدالت «صرفاً» مفهومی انتزاعی نیست، بلکه مفهومی عقلی و نفس‌الامری است که همه ابعاد وجودی عالم را دربر می‌گیرد» (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۳). بر این اساس، موزون بودن طبیعت بر این ناظر است که آنچه در طبیعت وجود دارد، دارای نوعی تناسب، نظم و انتظام است که بدون اینها طبیعت از هم فرو می‌پاشد. خداوند متعال در این زمینه در سوره حجر آیه ۱۹ می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا هَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ: و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های ریشه‌دار نهاديم و نیز از هر چیزی موزون در آن رویاندیم»؛ پس، امر موزون، متناسب‌الاجزا است و از آنچه طبع و یا حکمت اقتضا دارد کمتر و بیشتر نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲)؛ به این ترتیب، عدالت در بعد هستی‌شناسی بر موزون بودن طبیعت و پدیده‌های موجود در جهان ناظر است.

عدالت در معنای دوم به معنی برابری و یکسانی است به این معنی که همه انسانها حق یکسانی نسبت به برخورداري از محیط زیست سالم دارند. خداوند در سوره شوری آیه ۱۵ از زبان پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ؛ و مأمور شده‌ام بین شما عدالت برقرار کنم». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «یعنی همه را به یک چشم ببینم؛ قوی را بر ضعیف و غنی را بر فقیر و کبیر را بر صغیر مقدم ندارم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۴)؛ پس این معنا از عدالت بر حق برابر انسانهای حال و آینده در استفاده از محیط زیست سالم بدون توجه به تفاوتها و ظرفیتهای آنها ناظر است. علاوه بر این، خداوند طبیعت را برای عده خاصی نیافریده بلکه طبیعت مایملک جمعی است و نسل‌های آینده نیز باید از این نعمت خدادادی بهره‌مند شوند. خداوند در این زمینه در سوره الرحمن آیه ۱۰ می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ و زمین را برای مردم گسترده کرد».

اصل: حفظ موزون بودن طبیعت: موزون بودن طبیعت، ناظر عدالت به معنای موزون بودن است. بر این اساس، طبیعت موزون و متعادل است و اگر موزون و متعادل نبود برپا نبود. خداوند در سوره حجر آیه ۱۹ به این حقیقت اشاره کرده است. با توجه به موزون بودن طبیعت، هر یک از عناصر طبیعت به مقدار لازم، ضروری، سنجیده و مناسب در طبیعت وجود دارد و برای رشد و بهره‌وری خود اقتضائات و وضعی دارد که تحقق آنها به حفظ موزون بودن طبیعت به عنوان کل و

از بین رفتن تقابل بین پدیده‌های طبیعت و هم‌چنین تقابل بین انسان و طبیعت منجر می‌شود. روش: عدم اخلال در طبیعت: عدم ایجاد اخلال در فرایندهای پدیده‌های طبیعی بر پرهیز از به‌هم زدن موزون بودن و تعادل زیست محیطی، عدم ایجاد تضاد و کشمکش بین انسان و طبیعت و پایان دادن به دخالت‌های غیر طبیعی انسان ناظر است. متأسفانه انسان با دخالت‌های نابجای خود، اصالت قائل شدن برای نیازهای خود، فراموش کردن این نکته که زمین زیستگاه مشترک انسان و سایر موجودات زنده است و...، موجبات اخلال و فساد در طبیعت را فراهم کرده است و موزون بودن نظام طبیعت را به مخاطره افکنده و هم‌زیستی موجودات را از حالت طبیعی خارج کرده است. برای جلوگیری از چنین اخلالی است که سیراب کردن گیاهان آن‌قدر مهم است که در سطح سیراب کردن انسان تشنه قرار می‌گیرد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «من سقی طلحة أو سدره، فکأنما سقی مؤمنا من ظمأ» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳: ۹۶۴). هر کس درخت طلع یا سدر را سیراب کند، چنان است که گویی مؤمن تشنه‌ای را سیراب کرده باشد.

روش: اصلاح سبک زندگی خود در تعامل با طبیعت: روش دیگر برای تحقق اصل موزون بودن، اصلاح سبک زندگی خود در تعامل با طبیعت است؛ زیرا امروزه، سبک زندگی ما به علت مصرف‌گرایی بیش از حد، خواسته‌های بی‌پایان و افزون‌طلبی، خارج از حد اعتدال است؛ به این دلیل، دیگر «طبیعت تاب و توان پاسخگویی به خواسته‌های جامعه مصرفی را ندارد و موازین اخلاقی ماده‌گرایانه این جامعه نیز، که سیری‌ناپذیر است در پاسخگویی به نیازهای واقعی انسانها ناتوان مانده است» (ای لوری، کمپ، ۱۳۸۶: ۱۰۳). به دلیل چنین پیامدهایی است که خداوند در سوره تکاثر، انسانها را از افزونخواهی و مصرف‌زدگی منع می‌کند و این سبک زندگی را مورد نکوهش قرار داده است. پیامبر اکرم (ص) نیز در نکوهش سبک زندگی مصرف‌گرایانه می‌فرماید: «لم نبعث لجمع المال و لکن بعثنا لإنفاقه» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۸۳): ما پیامبران برای جمع‌آوری مال برانگیخته نشده‌ایم، بلکه برای بذل و بخشش آن برانگیخته شده‌ایم؛ با این حال، پدید آمدن جامعه مصرفی و رقابتی که ویژگی زندگی مدرن است، زندگی یکنواختی بر پایه کار و مصرف برای ما ایجاد کرده است و انسانها برای پاسخ به نیازهای کاذب حاصل از چشم و هم‌چشمی ناچارند ساعات طولانی کارکنند تا بتوانند بیشتر مصرف کنند. این نوع سبک زندگی به کیفیت محیط زیست توجه چندانی ندارد؛ زیرا خوب زیستن را تابع مصرف بیشتر می‌داند. در حالی که در سبک زندگی متناسب با محیط زیست، خوب زیستن به مفهوم مصرف بیشتر نیست و کیفیت زندگی



انسانها تابع کالاهای اجتماعی که مصرف می‌کنند نیز هست. هوای تمیز، خیابانهای خلوت، فضاهای سبز، ساحلها و زمینهای کشاورزی غیرآلوده و آینده‌ای مطمئن برای فرزندانمان از جمله کالاهایی است که کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد؛ اما به طور فردی قابل خرید نیست. این خدمات و کالاها انسانها را از نظر درآمد، ثروتمندتر نمی‌سازد؛ اما کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد.

اصل عدالت بین نسلی: عدالت بین نسلی بر عدالت به معنای تساوی، برابری، تشابه و یکسانی ناظر است. بر این اساس، نسلهای آینده نیز همچون ما حق مساوی و برابری نسبت به محیط زیست و منابع طبیعی آن دارند و باید بتوانند از مواهب محیط زیست و منابع طبیعی آن برخوردار شوند. هم‌چنین، عدالت بین نسلی به ما کمک می‌کند که بتوانیم آینده‌ای مطمئن برای فرزندانمان از لحاظ زیست محیطی تأمین کنیم. علاوه بر این، عدالت بین نسلی، بر این ناظر است که طبیعت مایملک جمعی همه انسانها است و مخصوص گروه خاصی نیست و نسلهای حال و آینده باید بتواند از این طبیعت استفاده کنند. افزون بر این، هم‌چنانکه نظام هستی، نظامی عادلانه است، این عدالت نیز باید در زندگی انسان تجلی پیدا کند. خداوند در این رابطه در سوره الرحمن آیات ۷ تا ۹ می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ \* أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ \* وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ: و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، وزن را بر اساس عدل بر پا دارید و در میزان کم نگذارید؛ پس هم‌چنانکه عالم هستی نظام و میزانی دارد، انسان نیز به عنوان بخشی از این عالم بزرگ باید نظام و میزان داشته باشد. اگر میزان و قانون از عالم بزرگ برچیده شود، راه فنا و نابودی پیش می‌گیرد و اگر زندگی شما هم فاقد نظم و میزان باشد، رو به فنا خواهید رفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۰۷ و ۱۰۸).

روش: تشویق شهروندان به آباد کردن زمین؛ یکی از روشهای تحقق عدالت بین نسلی، تشویق شهروندان به آباد کردن زمین و بهره‌برداری از موهبتهای آن است که منافع آن به نسلهای حاضر و آینده می‌رسد و همگان از آن بهره‌مند خواهند شد. خداوند در این باره در سوره هود آیه ۶۱ می‌فرماید: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا: او است که شما را از زمین (از مواد زمینی) ایجاد کرد و با تربیت تدریجی و هدایت فطری به کمالتان رسانید تا با تصرف در زمین آن را قابل بهره‌برداری کنید».

بر اساس این آیه، خداوند از انسان خواسته است تا زمین را آباد کند تا از طریق پرورش گیاهان

مختلف، درختان میوه و انواع حبوبات امرار معاش و زندگانی بکنند. آباد کردن زمین به اندازه‌ای مهم است که پیامبر اکرم بیان می‌کند: «إن قامت الساعة و فی ید أحدکم الفسیله، فإن استطاع أن لا تقوم الساعة حتی یغرسها فلیغرسها»: اگر قیامت بر پا شود و در دست یکی از شما نهالی باشد، اگر توانایی کشت آن را دارید، آن را بکارید؛ حتی اگر لحظه‌ای به قیامت باقی مانده باشد (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳: ۴۶۰).

روش: آموزش مفهوم توسعه پایدار؛ یکی از راه‌های تأمین عدالت بین نسلی، آموزش مفهوم توسعه پایدار به عنوان شیوه‌ای از زیستن و اندیشیدن است. مفهوم توسعه پایدار بر توجه به محیط زیست در کنار توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توجه به نیازهای فعلی جمعیت جهان و به خطر نینداختن منافع نسلهای آینده ناظر است؛ بنابراین در توسعه پایدار، منافع اقتصادی بر سلامت محیط زیست و انسانها ترجیح داده نمی‌شود. در این رابطه کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، قاطعانه از تلفیق اقتصاد و موضوعات زیست محیطی در چهارچوب «توسعه پایدار» دفاع کرده است. بر پایه این مفهوم کلی، توسعه باید هم از نظر اقتصادی و هم از نظر زیست محیطی قابل پذیرش باشد به گونه‌ای که بتواند نیازهای جمعیت فعلی جهان را بدون به خطر انداختن منافع نسلهای آینده تأمین کند (ای لوری، کمپ، ۱۳۸۶: ۲۷ تا ۳۴).

از نگاه متفکران مسلمان در توسعه پایدار، تمرکز را نباید صرفاً بر امور مادی گذاشت بلکه باید به بعد مادی و معنوی توجه همزمان داشت (امین‌زاده، ۱۳۸۰)؛ بنابراین، امور معنوی همچون روحی است که در کالبد توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی دمیده می‌شود و همچون نخ‌نخی است که این عناصر را به هم متصل می‌کند.

اصل عدالت زیست محیطی: با توجه به اینکه تصمیمات درباره محیط زیست بر سرنوشت تمام انسانها تأثیر دارد، باید در فرایند تصمیم‌گیری، همه اقلیتها، گروه‌ها و بویژه طبقات پایین جامعه برای تصویب قوانین عادلانه مشارکت کنند. مؤسسه حفاظت محیط زیست، عدالت زیست محیطی را چنین تعریف می‌کند: «برخورد منصفانه و مشارکت واقعی همه مردم در تهیه قوانین، ضوابط و راهبردهای زیست محیطی، اجرا و اعمال آنها بدون در نظر گرفتن قومیت، نژاد، رنگ پوست، ملیت یا درآمد ساکنان» (ای لوری، کمپ، ۱۳۸۶: ۵۵).

این نوع عدالت زیست محیطی بر عدالت به معنای برابری و تداوم عدالت جهان هستی در عالم انسانی ناظر است.

روش: مشارکت دموکراتیک؛ تصمیماتی که محصول مشارکت مردمی است و از دل جامعه بیرون می‌آید، نتایج بهتری به همراه دارد و ضریب اجرای قوانین را افزایش می‌دهد و در ضمن منافع همگان تا حد ممکن در فرایندهای تصمیم‌گیری لحاظ می‌شود. هم‌چنین، مشارکت دموکراتیک در فرایند تصمیم‌گیری باعث می‌شود اقلیتها و گروه‌های حاشیه‌نشین و تهیدستان، که بیش از هر کس دیگری در معرض خطر آلودگی قرار می‌گیرند از حقوق زیست محیطی خود دفاع، و بر اجرای قوانین در این جهت کمک کنند و بتوانند در محیطی پاک به دور از آلودگی و در وضعی مناسب زندگی کنند.

مینا: حیات فراگیر: حیات، فراگیر است و شامل کل هستی می‌شود و به انسان منحصر نیست؛ زیرا حیات، عطای خداوندی و از آثار رحمت الهی است. خداوند در آیات ۴۸ تا ۵۱ سوره روم به وابستگی حیات انسان به طبیعت اشاره کرده است. بر این اساس، باد، ابرهای بارانزا، خود باران و آثاری که این باران در زمین پدید می‌آورد، موجب امید و انبساط خاطر و خوشحالی در دل انسانها می‌شود و به خطر انداختن و از بین بردن آنچه مایه حیات انسان است، موجب ناامیدی انسان می‌شود. اصل: حفاظت از حق حیات طبیعت: با توجه به اینکه تخریب محیط زیست به مخاطره افتادن حیات انسان و سایر جانداران منجر می‌شود و به مخاطره افتادن حتی حیات یک انسان مساوی است با به مخاطره افتادن حیات کل انسانها، باید از حق حیات به عنوان حقی فراگیر محافظت کرد که شامل کل هستی است؛ هم‌چنانکه در آیه ۳۲ سوره مائده آمده است: «هر کس یک انسان را بکشد بدون اینکه او کسی را کشته، و یا فسادی در زمین کرده باشد، مثل این است که همه مردم را کشته است». بر اساس این آیه، کسی را که محیط زیست را تخریب و آلوده می‌کند و جان انسان و سایر موجودات را به خطر می‌اندازد و حتی باعث مرگ آنها می‌شود، باید مجازات و تنبیه کرد؛ زیرا امروزه تخریب و آلودگی محیط زیست از مصداقهای فساد روی زمین است؛ پس نباید حیات را از دریچه تنگ انسان‌محوری نگاه کرد، بلکه آن را باید فراگیر و درهم تنیده دانست.

روش: صرفه‌جویی در استفاده از منابع طبیعی: تحقق اصل حفظ حیات طبیعت مستلزم صرفه‌جویی در استفاده از منابع طبیعی است. خداوند در این رابطه در سوره انعام آیه ۱۴۱ می‌فرماید: «و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد». این آیه، تمام انسانها را، چه غنی و چه فقیر از اسراف و تبذیر در مصرف و بخشش نعمات الهی منع، و بر استفاده سودمند از آنها تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۷)؛ پس، صرفه‌جویی بر استفاده از منابع طبیعی متناسب با نیازهای انسان ناظر

است. بنابراین خوردن و بهره‌برداری که قرآن و اسلام آنها را مجاز می‌شمارند بر روش میانه‌روی و اعتدال مبتنی، و به اندازه‌ای است که برای زندگی انسان کافی باشد؛ چون خدای متعال امر کرده است به خوردن به صورت طبیعی (کلوا) و اقتضای طبیعت انسان نیز خوردن به میزان نیاز است» (حکیمی و همکاران، ۱۴۰۸ق، ج ۳). به همین دلیل، رفتن به شکار حیوانات برای خوشگذرانی و زیاده‌طلبی، نه برای نیاز خود و خانواده، حرام است و سفر به خاطر آن، معصیت است و نماز در چنین سفری تمام خوانده می‌شود (جعفری، ۱۳۸۵).

جدول ۳: مبانی، اصول و روشهای تربیت شهروند زیست محیطی از دیدگاه اسلام

مبانی	اصول	روش
طبیعت دارای ماهیتی از اویی و به سوی اویی است.	تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت	ایجاد نگرش حفاظت از طبیعت به عنوان ودیعه الهی ایجاد نگرش توجه توأمان به ارزش ایزاری و معنوی طبیعت ایجاد نگرش به مطالعه طبیعت به عنوان جلوه‌های الهی
سراسر هستی کلمه‌الله است.	تأویل و تفسیر طبیعت	گذر از حجاب طبیعت همسخنی انسان و طبیعت
وحدانیت انسان و طبیعت در مبدأ آفرینش	تقویت توجه به وحدانیت انسان و طبیعت	تقویت رفتارهای سازگار با طبیعت
طبیعت قدسی است.	احترام به طبیعت به عنوان موجودی مقدس	احیای پیوند بین علم و معنویت قداست بخشی به پرورش گیاهان
ابتنای طبیعت بر نظام احسن	مسئولیت نسبت به حفظ نظام احسن طبیعت	کسب و تقویت آگاهی نسبت به محیط زیست به عنوان نظام احسن
ابتنای طبیعت بر نظامی عادلانه	حفظ موزون بودن طبیعت عدالت بین نسلی عدالت زیست محیطی	عدم اخلال در طبیعت اصلاح سبک زندگی خود در تعامل با طبیعت تشویق شهروندان به آباد کردن زمین آموزش مفهوم توسعه پایدار مشارکت دموکراتیک
حیات فراگیر	حفاظت از حق حیات طبیعت	صرفه‌جویی در استفاده از منابع طبیعی

### بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله رویکردهای مختلف نسبت به محیط زیست و تربیت شهروند زیست محیطی مورد

بررسی قرار گرفت که هر رویکرد سعی در تغییر نگرش انسان نسبت به محیط زیست را دنبال کرده است. در این میان، رویکرد انسان‌محور به دلیل قرار دادن انسان در محور هستی، ارزشگذاری خودمحورانه و عدم توجه به جنبه ارزش ذاتی و معنوی طبیعت، ناتوان از ایجاد نگرشی سودمند نسبت به طبیعت است؛ به همین دلیل موجب آسیب رساندن به طبیعت شده است. با توجه به این کاستیها، تربیت شهروند زیست محیطی لیبرال مبتنی بر رویکرد انسان‌محور، اگرچه تلاش دارد این نگرش را در انسان ایجاد کند که به خاطر حفظ خود حیات انسان، ما باید رفتار مسئولانه نسبت به محیط زیست داشته باشیم به دلیل کاستیهایی که در نقد رویکرد انسان‌محور به آن اشاره شد، قادر به حل مؤثر بحرانهای زیست محیطی نیست. رویکرد اکوفمینیسم و شهروند زیست محیطی مبتنی بر آن، اگر چه دنبال گسترش نگرش مادرانه به طبیعت است به دلیل کاهش نگاه به طبیعت به جنبش‌های فمینیستی در قالب محدود مبارزه با عقلانیت مذکر و عدم توجه به این واقعیت که حل مشکلات زیست محیطی نیازمند همدلی تمام شهروندان، عقلانیت ترکیبی (عقلانیت مذکر و مؤنث) و نگاهی معنوی است، قادر به حل مؤثر مشکلات زیست محیطی نیست. رویکرد اکولوژی ژرف و شهروند زیست محیطی معطوف به آن، اگر چه نسبت به رویکردهای دیگر به دلیل توجه به ارزش ذاتی طبیعت فارغ از ارزشگذاری انسان از توانایی بهتری در ایجاد نگرش مطلوب در انسان برای حل مشکلات زیست محیطی برخوردار است، نقد وارد شده بر این رویکرد این است که در این رویکرد هماهنگی با طبیعت از طریق همذات‌پنداری با طبیعت و گسترش وجود خویش از این راه صورت می‌گیرد؛ ولی در جهان‌بینی اسلامی هماهنگی با طبیعت در وجود خداوند به عنوان حلقه وحدت بخش تمام هستی ریشه دارد.

پژوهشگر در این پژوهش تلاش کرده است در یک رابطه طولی بین مبانی، اصول و روشها، نگرشی مطلوب در انسان نسبت به محیط زیست ایجاد کند که این نگرش مطلوب بتواند رفتاری مسئولانه و مناسب را در تعامل انسان با محیط زیست ایجاد کند. یافته‌های این پژوهش از دید هستی‌شناختی ناظر بر این است که طبیعت دارای ماهیتی از اویی و به سوی اویی است؛ سراسر هستی کلمة الله است؛ بین انسان و طبیعت وحدانیت برقرار است؛ طبیعت، قدسی است؛ مبتنی بر نظامی احسن و عادلانه و حیات در آن فراگیر است و مختص انسان نیست. این نگاه هستی‌شناختی، دلالت‌های تربیتی خاصی برای تربیت شهروند زیست محیطی به دنبال دارد که می‌توان به اصولی همچون تقویت توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی طبیعت، تأویل و تفسیر، تقویت توجه به

وحدانیت انسان و طبیعت، احترام به طبیعت به عنوان موجودی مقدس، مسئولیت نسبت به حفظ نظام احسن طبیعت، حفظ موزون بودن طبیعت و حفاظت از حق حیات انسان و طبیعت اشاره کرد. این اصول، روشهایی همچون ایجاد نگرش توجه توأمان به ارزش ابزاری و معنوی طبیعت، ایجاد نگرش به مطالعه طبیعت به عنوان جلوه‌های الهی، گذر از حجاب طبیعت، همسخنی انسان و طبیعت، تقویت رفتارهای سازگار با طبیعت، احیای پیوند بین علم و معنویت، قداست‌بخشی به پرورش گیاهان، کسب و تقویت آگاهی نسبت به محیط زیست به عنوان نظام احسن، عدم اخلال در طبیعت، اصلاح سبک زندگی خود در تعامل با طبیعت و صرفه‌جویی در استفاده از منابع طبیعی را در حیطه تربیت شهروند زیست محیطی پایه‌ریزی می‌کند.

در راستای ایجاد تعامل مطلوب بین انسان و طبیعت و ارتقای نگرش معنوی انسان نسبت به طبیعت، پیشنهاد می‌شود کتابهایی درباره محیط زیست برای دوره ابتدایی با چشم‌انداز اسلامی نسبت به جهان هستی و هم‌چنین، ترسیم وظایف و مسئولیت‌های زیستی محیطی آن در قالب داستان نوشته شود. هم‌چنین، طرح تربیت شهروند زیست محیطی با رویکرد اسلامی در مدارس راهنمایی و دبیرستان اجرا شود. آثار زیانبار رویکردهای انسان‌محورانه و نگاه مکانیکی و مادی‌گرایانه در ارتباط با محیط زیست در درس تعلیمات دینی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

#### یادداشتها

۱- وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ: و از او عوضی نگیرند (بقره / ۴۸). وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ: و از هیچکس عوض پذیرفته نمی‌شود (بقره / ۱۲۳). وَ إِن تَعَدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا: و اگر فرضاً بخواهد با دادن رشوه - هر چه هم زیاد فرض شود - از آن بند، رهایی یابد، نمی‌تواند (انعام / ۷۰).

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لِيُكْتَبَ بَيْنَكُمْ بِالْعَدْلِ: شما ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به یکدیگر وامی تا مدت معینی دادید آن را بنویسید؛ نویسنده‌ای بین شما آن را بدرستی بنویسد (بقره / ۲۸۲). وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا: و {آیه} مردم حتی یک خردل ستم نمی‌شود (نساء / ۴۹). وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ: و چون بین مردم داوری کنید به عدل حکم برانید (نساء / ۵۸).

#### منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه. الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مشهور.

- اسلامی، زهرا (۱۳۸۹). ضرورت صیانت از محیط زیست از دیدگاه قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم و قرآن حدیث. دانشگاه الزهراء (ص).
- اصغری لقمجانی، صادق (۱۳۷۶). مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی و محیط زیست. دانشگاه تربیت مدرس.
- امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۰). پایداری توسعه و فرهنگ دینی. مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ. تهران ۱۶۵-۱۷۹.
- ای لوری، دیوید؛ کمپ، دیوید (۱۳۸۶). شهروندی سبز دموکراسی سبز، عدالت سبز. ترجمه محمود روغنی. تهران: نشر اختران.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بری، جان (۱۳۸۰). محیط زیست و نظریه‌های اجتماعی. ترجمه حسن پویان و نیره توکلی. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- بن‌سن، جان (۱۳۸۳). اخلاق زیست محیطی. ترجمه محمد مهدی رستمی شاهرودی. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- پالمر، جوی (۱۳۹۰). آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم. ترجمه محمد علی خورشید دوست. تهران: انتشارات سمت.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: انتشارات دنیای دانش.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۵). حقوق جهانی بشر، مقایسه و تطبیق دو نظام اسلام و غرب. تهران: مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۰). نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، شهید صدر و امام خمینی (ره). تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۶). تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاه. قم: نشر اسراء.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۴۰۸ق). الحیاه. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: انتشارات دارالقلم.
- شریف طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸). ترجمه و شرح بدایه الحکمه. قم: نشر بوستان کتاب.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: انتشارات المكتبة الحیدریه.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۴۲۹ق). *الکافی*. قم: طبع دارالحدیث.
- گرگی زاده، اسماء (۱۳۹۰). جایگاه حیات در اسلام و مقایسه با آراء اندیشمندان پس از رنسانس و تأثیر آن بر اخلاق زیست محیطی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۰). ضرورت ارتقای ارزش های دینی و فرهنگی در توسعه پایدار. مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ. تهران.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). *زنان و محیط زیست*. تهران: نشر شیرازه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- میرزائی، داود (۱۳۹۰). بررسی نسبت میان انسان با طبیعت و تکنولوژی در هنر محیطی. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی.
- نصر، حسین (۱۳۷۷). *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*. تهران: نشر سهروردی.
- نصر، حسین (۱۳۷۹). *انسان و طبیعت*. ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- نصر، حسین (۱۳۸۰). *معرفت و معنویت*. ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران: نشر سهروردی.
- نصر، حسین (۱۳۸۶). *دین و نظام طبیعت*. ترجمه محمد حسن فغفوری. تهران: انتشارات حکمت.

- Ashley, M. (2000). Behavior change and environmental citizenship: a case for spiritual development? *International Journal of Children's Spirituality*, 5(2), 131-145.
- Bell, D R. (2005). Liberal environmental citizenship. *Environmental Politics*, 14(2.), 179 – 194.
- Bishop, S. (1991). Green theology and deep ecology: New age or new creation? *Themelios*, 16 (3), 8-14.
- Bs Ba, D W. (2007). **Earth tones: How environmental journalism and environmental ethics influence environmental citizenship**. Thesis prepared for the degree of Master of Arts, University of North Texas.
- Chuck, C. (1997). The Practice of Citizenship as Support for Deep Ecology. *The trumpeter journal of ecosophy*. 14 (2), 1-7 .
- Hawthorne, M. & Alabaster, T. (1999). Citizen 2000: development of a model of environmental citizenship. *Global Environmental Change*, 9, 25-43.
- Izzi Dien, M. (1997). Islam and the Environment: theory and practice. *Journal of Beliefs & Values*, 18(1), 332–339.
- Khalid, F. & O'Brien, J. (1992). **Islam and Ecology**. London: Cassell PLC Publishers.
- Mallory, Ch. (2013). Locating ecofeminism in encounters with food and place. *Agric Environ Ethics*, 26, 171–189.
- Mayer, E. (1994). The power and the promise of ecofeminism. **Reconsidered Honors Projects. Paper 4**. [http://digitalcommons.iwu.edu/phil\\_honproj/4](http://digitalcommons.iwu.edu/phil_honproj/4).
- Moore, Sh. (2012). **Climate change and environmental citizenship: transition to a post-consumerist future?** Submitted in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, University of Tasmania.
- Mueller, H. (2011). **Sustainable citizenship as a key to sustainability: Establishing a**



**common ground on technology use in New Zealand's dairy sector.** A thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of Master of Social Science at The University of Waikato.

Pettus, K. (1997). Ecofeminist citizenship. **Hypati**, 12(4), 131-155.

